



Qurtubi's Approach in Facing the Difference of Recitations (*Qira'at*) in Tafsir al-Jami' li Ahkam al-Quran*



Seyyed Mohammadreza Hosseininia¹
Mahdi Mahmoudi²

Abstract

Recitation (*Qira'at*) is a science that deals with the pronunciation of the words of the Holy Quran with the same quality that was narrated or confirmed by the Messenger of God (P) in such a way that it speaks of the text of divine revelation. This science is one of the interpretative tools of the commentators of the Holy Quran. Among the Muslim commentators who have widely expressed their recitations (*Qira'at*) and differences in various verses is Mohammad bin Ahmad Qurtubi, who is a Sunni scholar and has a scientific position. Achieving Qurtubi's approach in facing the difference of recitations (*Qira'at*) in the *comprehensive interpretation of the Quranic rules* is the main goal of this article. Now, this issue is raised, what approach does Qurtubi follow in the mentioned book in facing the difference of recitations (*Qira'at*)? To answer this question, the present study examines the text of the book with a descriptive-analytical method. The findings of the current research show that in this commentary, he has extensively expressed, criticized and investigated the differences in recitations (*Qira'at*) with criteria such as the criterion of context, conformity with the Musahif, conformity with Arabic rules and poetry, the criterion of interpretation and ruling of the verse, and the criterion of conformity with other verses.

Keywords: Difference of Recitations (*Qira'at*), Qurtubi, *al-Jami' li Akham al-Quran*, Preference of Different Recitations (*Qira'at*).

*. **Date of receiving:** November 18, 2022, **Date of approval:** January 21, 2023.

1. Associate Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University; (Corresponding Author), m.hosseininia@ilam.ac.ir

2. Ph.D. Candidate, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University; mahdim95@yahoo.com



رویکرد قرطبی در مواجهه با اختلاف قرائات در تفسیر الجامع لأحكام القرآن*

سید محمدرضا حسینی نیا** مهدی محمودی***



چکیده

قرائت علمی است که به تلفظ الفاظ قرآن کریم با همان کیفیت که از رسول خدا ﷺ نقل شده و یا تأیید فرموده است به گونه‌ای که از نص وحی الهی حکایت کند، می‌پردازد. این علم یکی از لوازم تفسیری مفسران قرآن کریم است. از جمله مفسران مسلمان که به‌طور گسترده به بیان قرائات و اختلافات آنها در آیات مختلف پرداخته محمد بن احمد قرطبی است که از دانشمندان اهل سنت و دارای جایگاه علمی است. دستیابی به رویکرد قرطبی در مواجهه با اختلاف قرائات در تفسیر جامع لأحكام القرآن هدف اصلی این نوشتار است. اکنون این مسئله مطرح است که قرطبی در تفسیر جامع لأحكام القرآن چه رویکردی در مواجهه با اختلاف قرائات دنبال می‌کند؟ پژوهش حاضر به منظور پاسخ به این سؤال با روش تحلیلی توصیفی به بررسی متن کتاب جامع لأحكام القرآن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در این تفسیر به‌طور گسترده به بیان، نقد و بررسی اختلاف قرائات با معیارهایی مانند: معیار سیاق، مطابقت با مصاحف، مطابقت با قواعد و شعر عرب، معیار تفسیر و حکم آیه و معیار مطابقت با آیات دیگر پرداخته است.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائات، قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ترجیح اختلاف قرائات‌ها.

*. تاریخ دریافت: 1401/08/27 و تاریخ تأیید: 1401/11/01.

** دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایران، «نویسنده مسئول»: (m.hoseininia@ilam.ac.ir).

*** دانشجوی دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایران؛ (mahdim95@yahoo.com).

مقدمه

مفسران قرآن کریم برای آن که بتوانند به تفسیر آیات و بیان معانی و مراد کلام خداوند بپردازند، نیازمند دسته‌ای از علوم هستند که در منابع علمی به علوم مورد نیاز مفسر شهرت دارد. یکی از این علوم که سابقه طولانی داشته و به دوران صحابه و تابعین برمی‌گردد، علم قرائت است که طبق آن ضروری است مفسر با حوزه‌های مربوط به این علم مانند قرائات و زنجیره راویان آن، اختلافات قرائات، انواع قرائات، قاریان آن‌ها و... آشنایی داشته باشد. در مواجهه با این قرائات مفسران نظرات متفاوتی دارند؛ گروهی از مفسران قائل به سندیت و حتی تواتر این قرائات هستند و گروهی نیز تنها یک قرائت را متواتر می‌دانند؛ زیرا معتقدند پیامبر ﷺ تنها یک نوع قرائت را از خدای متعال نقل فرموده است و از این رو تواتر قرائات هفت‌گانه یا ده‌گانه و... هیچ‌گونه جایگاهی ندارد و احادیثی هم که از پیشینیان نقل شده است، احادیثی ساختگی در دوران‌های پس از پیامبر ﷺ هستند. (معرفت، 1380: 166) بر این اساس، با توجه به دیدگاه مفسران در رابطه با اختلاف قرائات، شیوه‌های برخورد آنان با این پدیده نیز متفاوت است. از جمله مفسرانی که به‌صورت گسترده در تفسیر خود به بحث اختلاف قرائات پرداخته است، «محمد بن احمد قرطبی» در تفسیر «جامع لأحكام القرآن» است. قرطبی از علماء عارف مسلک و زاهد و صاحب تصانیف است که در نزد اهل سنت از جایگاه والایی برخوردار است و اگرچه فقیه مالکی است؛ اما دیدگاه متعصبانه‌ای نسبت به آرای مالک ندارد تا آن‌جا که ذهبی در تجلیل از قرطبی، بهترین ویژگی او را عدم تعصب به مذهب مالکی خویش می‌داند و او را به‌خاطر این که همواره به دنبال دلیل و حقانیت امور است، می‌ستاید. (الذهبی، بی‌تا، 238/2) از این رو، با توجه به این ویژگی‌ها و جایگاه این مفسر در بین مسلمانان و خصوصاً اهل سنت و همچنین اهمیت بحث قرائات تحقیق، پیرامون دیدگاه‌های تفسیری ایشان از جمله قرائات و شیوه برخورد ایشان در مواجهه با آن ضروری به نظر می‌رسد.



بر این اساس، در این تحقیق تلاش شده است تا با کاوشی روشمند، منسجم و علمی، ابعاد مسئله پژوهش را با توجه به متن تفسیر جامع لأحكام القرآن قرطبی در پاسخ به این پرسش تبیین و تحلیل گردد: رویکرد قرطبی در مواجهه با قرائات در تفسیر جامع لأحكام القرآن چگونه است؟

در این راستا، با مراجعه به منابع موجود در رابطه با اختلاف قرائات و همچنین بررسی اختلاف قرائات در آیات مورد بحث در تفسیر قرطبی به روش تحلیلی-توصیفی به تبیین و بررسی «معیارهای قرطبی در نقد قرائات» و «شیوه‌های برخورد قرطبی در تفسیر جامع لأحكام القرآن با قرائات» پرداخته خواهد شد.

با بررسی پیشینه تحقیق، به آثار مختلفی در رابطه با این موضوع، برخورد می‌کنیم. به عنوان مثال در دوران معاصر بزرگانی هم چون آیت الله خویی (ره) در کتاب «البيان فی تفسیر القرآن» به بررسی قرائات و اسناد آن‌ها و شرایط قرائت مقبول پرداخته است (خویی، بی تا). آیت الله معرفت (ره) نیز در آثار خود به قراء و قرائات هفتگانه، ده گانه و چهارده گانه، عوامل اختلاف قرائات و ضوابط تشخیص قرائت صحیح و... پرداخته است (معرفت، 1380). همچنین دکتر هادی الفضلی نیز در کتاب «مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن» به تاریخچه علم قرائات و عوامل و اسباب اختلاف قرائات، مصادر و مآخذ قرائات و همچنین مقیاس‌های قرائی در این رابطه پرداخته است (فضلی، 1373).

در قالب مقاله نیز نویسندگان متعددی به قلم‌زنی در حوزه قرائات و اختلاف قرائات مبادرت ورزیده‌اند که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره داشت:

مقاله‌ای تحت عنوان «اختلاف قرائات در تفسیر اطيّب البیان» توسط راضیه شیرینی نگاشته شده است که به بررسی دیدگاه مرحوم طیب در تفسیر اطيّب البیان نسبت به اختلاف قرائات پرداخته است. ایشان در این مقاله این گونه نتیجه گرفته است که مرحوم طیب در تفسیر خود به اختلاف قرائاتی نظیر اختلاف در اعراب، اختلاف در حروف، اختلاف در اسماء، اختلاف در زیاده و نقصان اشاره نموده و قرائت صحیح از نظر وی قرائت مطابق با سیاهی قرآن است که همان قرائت حفص از عاصم است (شیرینی، 1398).

همچنین آقای داود اسماعیلی و خانم نسیم براتی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رویکرد فخر رازی در مواجهه با قرائات در تفسیر مفاتیح الغیب» به شیوه برخورد فخر رازی با قرائات در تفسیرش پرداخته و بیان می‌دارد که فخر زاری در گزینش قرائات از هیچ‌گونه قاعده و معیار خاصی استفاده نکرده و از این رو، در مواجهه با اختلاف قرائات به شیوه‌های گوناگونی عمل نموده است (اسماعیلی و براتی، 1399).

مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی چستی و جایگاه مبانی زبانی- ادبی در اختیار قرائات در تفسیر مجمع البیان» از سید رضا مؤدب و علی خوشنویس به استقرای برخی از مبانی زبانی- ادبی در تفسیر مجمع البیان می‌پردازد و علاوه بر توضیح مفهومی آن‌ها، جایگاه استفاده از آن‌ها را نیز از نظر علامه طبرسی بیان می‌کند و سپس به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازد (مؤدب، 1397).

علاوه بر این نگاشته‌ها، مقاله‌ای دیگر با عنوان «اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی» توسط محمد فاکر میبیدی نیز نگارش یافته است. نویسندگان در این مقاله به این نتیجه رسیده است که علامه طباطبایی بر پایه روایات معصومین علیهم‌السلام بر این باور است که ایشان به پیروی از قرائات مشهور فرمان داده‌اند و لذا از قرائت منسوب به ائمه علیهم‌السلام تنها به‌عنوان مؤید یا تفسیر آیات استفاده می‌کند (فاکر میبیدی، 1390).

ضمن ارج نهادن به تلاش‌های علمی صورت گرفته در این رابطه؛ اما با توجه به پیشینه‌ای که گفته شد، تحقیق و تحلیل این موضوع از دیدگاه مفسران برجسته‌ای دیگر هم چون قرطبی در تفسیر «جامع لأحكام القرآن» نیز ضروری به نظر می‌رسد.

الف. مفهوم‌شناسی

واژگان کلیدی و مهم که در این تحقیق از آن‌ها بهره برده شده است و نیاز به تعریف و شناخت هستند عبارت‌اند از:



1. قرائت

قرائت در لغت از ریشه (ق ر ا) و به معنای جمع کردن، خواندن و ضمیمه کردن است. (قرشی، 1386: 260/5، راغب اصفهانی، 1412: 668، ابن‌منظور، 1414: 128/1) در معنای اصطلاحی قرائت نیز تعاریف متعددی آمده است؛ از جمله این‌که، زرکشی در کتاب البرهان فی علوم القرآن می‌گوید: قرائت عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف در رابطه با حروف، کلمات قرآن و کیفیت آن‌ها از قبیل تخفیف، تشدید و امثال آن‌ها از سوی قراء نقل شده است (زرکشی، 1376: 318/1).

دمیاطی بناء نیز قرائت را این‌گونه تعریف کرده است: قرائات، عبارت از علمی است که از رهگذر آن، اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا در رابطه با حذف و اثبات، و متحرک خواندن و ساکن کردن، فصل و وصل حروف، کلمات و امثال آن‌ها از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و جز آن‌ها از طریق سماع و شنیدن، قابل شناسائی است (دمیاطی، 1427: 6).

آقای هادی الفضلی در کتاب تاریخ قرائات خود می‌نویسد: قرائت عبارت است از تلفظ الفاظ قرآن کریم به همان صورت و کیفیتی که رسول خدا ﷺ تلفظ می‌کرد و یا عبارت از خواندن و تلفظ الفاظ قرآن کریم به همان صورت و کیفیتی است که در حضور رسول اکرم ﷺ خوانده شد و آن حضرت آن تلفظ را تأیید کردند (فضلی، 1378: 81).

آیت‌الله معرفت نیز در کتاب علوم قرآنی خود قرائت را این‌گونه تعریف کرده است: قرائت همان تلاوت و خواندن قرآن کریم است و اصطلاحاً به‌گونه‌ای از تلاوت قرآن اطلاق می‌شود که دارای ویژگی خاصی است. بدین معنا که هرگاه تلاوت قرآن به‌گونه‌ای باشد که از نص وحی الهی حکایت کند و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف - بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده، استوار باشد، قرائت قرآن تحقق یافته است (معرفت، 1380: 166).

بنابراین، با توجه به آن‌چه به نقل از دانشمندان در تعریف قرائت آورده شد، تعریف زیر ارائه می‌گردد:

قرائت علمی است که به تلفظ الفاظ قرآن کریم با همان کیفیتی که از رسول خدا ﷺ نقل شده و یا تأیید فرموده است، به گونه‌ای که از نص وحی الهی حکایت کند، می‌پردازد.

2. أبی‌عبدالله قرطبی مؤلف تفسیر الجامع لأحكام القرآن ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الأنصاری الخزرجی الأندلسی القرطبی از مفسران قرن هفتم اهل سنت است که در اندلس تولد یافت و در سال 671 در بنی خصیب در گذشت. گفته شده است که قرطبی امامی عارف، فاضل، صاحب علم و تألیفات بود (قرطبی، 1364: 5). او در نزد علمای مشهور، فقه، نحو، قرائات و سایر علوم دیگر را فرا گرفت. او همچنین اهتمام زیادی به احکام دینی داشت و دستورات عملی خود را بر اساس آن بنا می‌نمود (مشهور بن حسن آل سلمان، 1413: 15).

مشهور است که قرطبی شجاعت بسیاری در بیان اعتقادات خود داشت؛ زیرا او را دارای علم واسع، ورع و بی توجهی به دنیا و مظاهر آن توصیف نموده‌اند (مشهور بن حسن آل سلمان، 1413: 15). ذهبی درباره او می‌گوید: قرطبی از بندگان صالح خدا و عالمی زاهد بود که زندگی زاهدانه‌ای داشت که جامه و لباس فقیرانه او از آن حکایت می‌کرد و روزگارش پر از توسل به خدا، عبادت و راز نیاز با خداوند و تألیفات سودمندی برای مردم بود (ذهبی، بی تا، 336/2).

همچنین قرطبی دارای اراده قوی و جدیت بسیار بود و این به سبب احساسی بود که او نسبت به عظمت آنچه که تدریس و تألیف می‌کرد، داشت؛ زیرا وی پیوسته با نصوص شرعی سر و کار داشت و به آنها دعوت نیز می‌کرد و از این رو، قرطبی هم و غم مسلمانان هم عصر خود را داشت و گفته شده به سنت پیامبر اهتمام ویژه‌ای داشته است. از طرفی، او نسبت به گسترش علم شرعی نیز بسیار حریص بود (مشهور بن حسن آل سلمان، 1413: 58).

از اساتید قرطبی می‌توان به ابو محمد عبدالوهاب بن رَوَّاج معروف به «ابن رواج» که نام وی، ظافر بن علی بن فتوح ازدی اسکندرانی مالکی، متوفای سال ۶۴۸ هجری است و



علامه بهاء‌الدین، ابوالحسن علی بن عبه الله بن سلامه مصری شافعی، معروف بن «ابن الجُمَیزی» متوفای سال ۶۴۹ هجری (سیوطی، 1396: 92، مراکش، 1973: 585/5، 18. محمد بن علی بن أحمد، بی‌تا، 66/2) و ابی عباس بن عمر مولف کتاب «المفهم فی شرح صحیح مسلم» اشاره کرد و گفته شده که قرطبی از ابی علی الحسن بن محمد البکری و دیگران حدیث آموخت (ذهبی، بی‌تا، 336/2).

از مشهورترین کسانی که نزد قرطبی دانش آموختند می‌توان فرزند وی شهاب‌الدین احمد (سیوطی، 1396: 92)، و ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن زبیر بن محمد بن ابراهیم بن زبیر بن عاضم ثقفی عاصمی غرناطی (مراکش، 1973: 585/5)، اسماعیل بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالصمد خراستانی (ابن حجر عسقلانی: 379/1) و ابوبکر بن محمد فرزند امام شهید کمال‌الدین ابوالعباس احمد بن امین‌الدین ابوالحسن بن محمد بن حسن قسطلانی مصری (ابن‌رشید فهری، 1981: 425/3) را نام برد.

وی صاحب تألیفاتی است از جمله «الأسنی، فی شرح أسماء الله الحسنى، التذکار، فی أفصل الاذکار، کتاب التذکره، بأمور الآخرة، کتاب شرح التقصی و کتاب قمع الحرص بالزهد والقناعة، ورد ذل السؤال بالکتب والشفاعة» است که مهم‌ترین آن‌ها تفسیر «الجامع لأحكام القرآن، والمبین لما تضمنه من السنة وآی الفرقان» است که به تفسیر «الجامع لأحكام القرآن» مشهور است (قرطبی، 1364: مقدمه/335).

ب. جایگاه قرائات در تفسیر جامع لأحكام القرآن
 مهم‌ترین ویژگی‌های مبحث قرائات در این کتاب را می‌توان در عناوین زیر بحث و بررسی نمود:

1. بیان قرائات مختلف

قرطبی در تفسیر خود اگرچه عنوان مجزا و تفکیک شده در بحث اختلاف قرائات ندارد؛ اما به‌صورت گسترده به بحث در مورد اختلاف قرائات آیات پرداخته است، به‌طوری که می‌توان گفت بیشتر موارد اختلاف قرائات را بیان نموده است. به‌طور مثال در آیه «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ اضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (مائده: 60) در بیان اختلاف قرائات «عَبَدَ

الطَّاعُوت»، 12 قرائت مختلف از قراء را نقل می‌کند و هیچ‌کدام را نیز رد نمی‌کند. قرطبی در کتابش این‌گونه نقل می‌کند: حمزه این عبارت را به‌صورت (عبدالطاغوت) ضم حرف باء و کسر حرف تاء قرائت کرده است و سایرین نیز به‌صورت فتح حرف باء و تاء قرائت کرده‌اند. ابی و ابن مسعود به‌صورت (عبدوا الطاغوت) قرائت نموده‌اند و از ابن عباس قرائت (عبدالطاغوت) به‌صورت جمع عبد مانند: رهن و رهن و سقف و سقف و یا آن‌که جمع عباد باشد؛ مانند مثال و مثل و یا این‌که جمع عبید و یا جمع عابد باشد، روایت شده است. از ابن عباس همچنین (عبدالطاغوت) جمع عابد مثل شاهد و شهد روایت شده و از ابی بن کعب (عباد الطاغوت) جمع عابد برای مبالغه روایت شده است. بصریون نیز (عباد الطاغوت) جمع عابد یا جمع عبد و از ابوجعفر الرؤسی (وعبد الطاغوت) بنا بر مفعولیت نقل شده است. عون العقیلی و ابن بریده (وعابد الطاغوت) و ابی (عبدت الطاغوت) با تأنیث نقل کرده‌اند. عبید بن عمیر نیز (واعبد الطاغوت) مانند کلب و اُکلب قرائت نموده است (قرطبی، 1364: 236/6). این‌ها 12 وجه بودند که در تفسیر قرطبی بیان شده است.

2. همراه بودن قرائات با تفسیر و تقدیر

مبحث قرائات در این کتاب در موارد بسیاری همراه با تفسیر و تقدیر آیات طبق قرائات مختلف، مطرح شده است؛ به‌عنوان مثال در آیه «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَيَغْتَابُ هِيَ وَ إِنْ تُخْفَوْهَا وَ تُؤْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره: 271) به‌حدود 11 قرائت همراه با تقدیر آن‌ها اشاره می‌کند. قرطبی در بیان قرائات «يَكْفُرُ» در این آیه می‌گوید: قراء در قرائت این عبارت اختلاف کرده‌اند؛ ابو عمرو، ابن‌کثیر، عاصم در روایت ابی بکر و قتاده و ابن‌اسحاق به‌صورت (نکفر) با نون و رفع راء قرائت کرده‌اند. نافع، حمزه و کسائی با نون و جزم حرف راء قرائت کرده‌اند. حسین بن علی جعفی به نقل از اعمش با یاء و نصب راء (یکفر) روایت کرده و ابن‌عامر با یاء و رفع راء قرائت نموده است. از حفص از عاصم نیز همین روایت شده است. همچنین با حرف یاء و جزم راء نیز از حسن روایت شده است. ابن‌عباس به‌صورت (تکفر) با تاء و کسر تاء و جزم راء روایت شده



است. المهدوی از ابن‌هرمز قرائت با تاء و رفع راء روایت کرده است. از عکرمه و شهر بن حوشب قرائت با یاء و نصب راء روایت شده است. همچنین از خلیل و سیبویه (نکفر) با نون و رفع راء نقل شده است. ابو حاتم از اعمش با یاء بدون حرف واو قبل آن روایت شده است (قرطبی، 1364: 335/3).

قرطبی در ادامه بحث به تقدیر معنایی همه این قرائات می‌پردازد و می‌گوید: آن‌که از عاصم به صورت (یکفر) با یاء و رفع راء روایت کرده است، معنای آن این است: **و یکفر الله**. ابن‌عباس که به صورت (تکفر) قرائت کرده است معنای آن: **تکفر الصدقات** می‌شود و آن‌که با تاء قرائت کرده است به معنای صدقه است به جز آنچه از عکرمه روایت شده که به صورت تاء و فتح فاء قرائت شده بود که به معنای سیئات است. کسی که به صورت یاء قرائت کرده است، معنای آن می‌شود: **الله تعالی هو الکافر**. برای قرائت با رفع راء نیز دو وجه وجود دارد: یکی این‌که فعل، خبر برای مبتدا است و تقدیر آن: **نحن نکفر و یا هی تکفر** به معنای **الصدقه** یا معنای **والله یکفر** باشد. دومین وجه، قطع و استیناف است که واو عاطفه نباشد (قرطبی، 1364: 336/3).

3. بیان قاریان مختلف در روایات قرائات

در این تفسیر در بسیاری از موارد به بحث در مورد همه قرائات منقول به همراه قرآء آن در رابطه با یک آیه به بحث پرداخته است؛ به عنوان مثال در آیه 284 سوره مبارکه بقره ذیل بیان اختلاف قرائات **«فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَ- يَعَذِّبُ مَن يَشَاءُ»** به 11 نفر از قاریان و اختلاف قرائات آن‌ها می‌پردازد؛ از جمله: ابن‌کثیر، نافع، ابوعمر، حمزه، کسائی، ابن‌عامر، عاصم، ابن‌عباس، ابی‌العالیه و عاصم حجدی در قرائت با ضم، رفع و نصب (قرطبی، 1364: 433/3).

همچنین در سوره بقره آیه 271 در ذکر قرائات **«فَيُعَمَّا هِی»** به اختلاف قرائات از ابوعمر و (دو روایت)، نافع در روایت ورش، عاصم در روایت حفص، ابن‌کثیر، نافع در روایت غیر ورش، عاصم از ابی‌بکر، اعمش، ابن‌عامر، حمزه و کسائی می‌پردازد (قرطبی، 1364: 335/3).

4. تعبیر «سبعة أحرف» به قرائات هفت‌گانه

از مواردی که در مقدمه این تفسیر به آن پرداخته شده است، حدیث «سبعة أحرف» است. ایشان پنج نظر در مورد حدیث را نقل می‌کند. از جمله: الفاظ مختلف با معانی نزدیک به هم، لغات عرب، لغات هفت‌گانه مضر (قریش، کنانه، اسد، هذیل، تیم، ضبه، قیس)، اختلاف هفت‌گانه قرائات و معانی کلام خدا مانند امر، نهی، وعد، وعید و....

قرطبی در تفسیر خود ابتدا نظر گروهی از علما را که توجیه حدیث «سبعة أحرف» به قرائات هفت‌گانه را نپذیرفته‌اند نقل می‌کند و سپس به روایاتی از ابی بن کعب، انس و عمر و دیگران استناد می‌کند و در نهایت معتقد می‌شود که قرائات هفت‌گانه توسعه‌ای از طرف رسول خدا ﷺ برای امتش بوده است و قرائات ضعیف در این قرائات راه نیافته است. (قرطبی، 1364: 41/1 - 49)

5. تواتر قرائات هفت‌گانه

یکی دیگر از مواردی که به صورت ضمنی از مقدمه تفسیر و همچنین نقل اختلاف قرائات مختلف و تأیید آن‌ها می‌توان به آن دست یافت، بحث اعتقاد به «تواتر قرائات سبعة» است. همان طور که گفته شد، قرطبی در مقدمه تفسیرش حدیث «سبعة أحرف» را صحیح می‌شمارد و بدین وسیله، قرائات هفت‌گانه را نیز منقول از پیامبر ﷺ از خدای متعال می‌داند و این خود می‌تواند به معنای قبول تواتر آن‌ها باشد. از طرفی، در آیات متعدد نیز این ویژگی قابل برداشت است؛ به عنوان مثال در آیه 271 سوره بقره، حالات مختلف قرائت «فَإِنَّمَا هِيَ» را بیان می‌کند و به توجیه لغوی و تفسیری همه آن‌ها می‌پردازد (قرطبی، 1364: 335/3) که این توجیه قرائات مختلف، می‌تواند به معنای قبول تواتر و سندیت آن‌ها باشد.

6. بیان نوع قرائات (صحیح، حسن، شاذ و...)

از دیگر مواردی که در تفسیر جامع لأحكام قرطبی به آن پرداخته شده است، بیان نوع قرائات و اظهار نظر در مورد آن‌ها است. به طور کلی می‌توان گفت که قرطبی در این تفسیر به نحو گسترده به نقد قرائات اختلافات آن‌ها و اظهار نظر در رابطه با نوع آن‌ها پرداخته



است و این همان طور که گفته شد شاید به دلیل اعتقاد ایشان به تواتر همه یا لااقل قرائات هفت گانه باشد؛ اما در مواردی هرچند محدود به بیان نوع قرائات نیز روی آورده است.

قرطبی در بیان اختلاف قرائات آیه «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم: 5) در ذیل «خِفْتُ»، به دو قرائت اشاره می کند: قرائت منقول از عفان بن عثمان، یحیی بن یعمر و... از این واژه به فتح حرف خاء، تشدید حرف فاء و کسر حرف تاء و همچنین قرائت مشهور از این کلمه که سایر قراء به این صورت قرائت کرده اند؛ یعنی قرائت «خفت» به کسر حرف خاء، سکون حرف فاء و ضم حرف تاء. قرطبی در این مورد قرائت غیر مشهور را نمی پذیرد و می گوید: این قرائت (غیر مشهور)، به طور جد قرائت شاذ و بعیدی است که بعضی از علماء، قرائت به آن ها را جایز نمی دانند و مردود است (قرطبی، 1364: 79/11). همچنین در آیه «لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغْرَبًا أَوْ مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ» (توبه: 57) قرائت ابی بن کعب از «مُدْخَلًا» که به صورت (مندخلا) از (اندخل) قرائت شده را شاذ معرفی می کند. (قرطبی، 1364: 165/8)

قرطبی قرائت های منقول از کلمه «تَمَسَّوْهُنَّ» در آیه «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسَّوْهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَتَعَوَّهْنَ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَ عَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره: 236) را که با فتح حرف تاء و یا به صورت (تماسوهن) قرائت شده را قرائاتی «حسن» به شمار می آورد و هر دو این قرائات را ترجیح می دهد.

همچنین در سوره مبارکه بقره آیه 251، دو قرائت «ننشرها» و «ننشرها» را می پذیرد و هر دو را صحیح می داند (قرطبی، 1364: 296/3).

7. بیان احتجاج قرائات

قرطبی در تفسیر خود، علاوه بر بیان اختلاف قرائات به ذکر ادله صرفی، نحوی و... این قرائات نیز می پردازد. به عنوان نمونه در اختلاف قرائات «فَيَغْفِرُ» و «وَيَعَذِّبُ» در آیه 284 سوره بقره به ذکر حالت های مختلف و دلایل نحوی آن می پردازد؛ قرائت با جزم، بنا بر این که عطف بر جواب باشد، قرائت با رفع بنا بر این که در آن قطع صورت گرفته باشد (یعنی: فهو يغفر، يعذب)، قرائت این دو کلمه با نصب بنا بر اضممار «أن» و به تعبیر صحیح تر

عطف بر معنا باشد، همچنین قرائت بدون فاء (یغفر) بنا بر بدلیت و قرائت بدون تاء با رفع، بنا بر موضع حال باشد (قرطبی، 1364: 423/3 و 424).

8. رجحان يك تفسیر با توجه به قرائتی خاص

قرطبی در مواردی، نقل یک قرائت از قراء را دلیل بر رجحان و تقویت یک تفسیر خاص از آن آیه می‌داند. به عنوان مثال در آیه 271 سوره مبارکه بقره در بیان قرائات «يَخَافُونَ» می‌گوید: مجاهد و ابن جبر این عبارت را به صورت (يَخَافُونَ) با ضم یاء قرائت نموده‌اند که این قرائت این برداشت را قوت می‌بخشد که اینان از غیر قوم موسی (علیه السلام) بوده‌اند.

در آیه «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَزْرَ» (انعام: 74) در قرائت «أَزْرَ» نیز پس از بیان قرائات مختلف می‌گوید: اُبی و یعقوب و دیگران این عبارت را به صورت «أَزْرَ»؛ یعنی یا آزر، بنا بر ندای مفرد قرائت کرده‌اند که این قرائت قول کسانی که در تفسیر این آیه گفته‌اند: آزر اسم پدر ابراهیم بوده است را قوت می‌بخشد.

ج. معیارهای انتخاب قرائات و نقد آنها در تفسیر الجامع لأحكام القرآن
هرچند قرطبی در تفسیر خود در رابطه با معیارهای انتخاب و نقد قرائات بخش مجزایی را به این بحث اختصاص نداده است؛ اما از لابه‌لای تفسیر وی می‌توان به معیارهایی پی برد. در ادامه این بحث به مهم‌ترین معیارهای قرطبی در رابطه با انتخاب و نقد قرائات در تفسیر جامع لأحكام القرآن پرداخته می‌شود:

1. معیار سیاق

یکی از معیارهای قرطبی در گزینش قرائات توجه به سیاق آیات است. سیاق را عبارت از قرائن متصله لفظیه کلام، تعریف کرده‌اند (بابایی، 1380: 120). سیاق یکی از لوازم مهم در یاری رساندن مفسر در تفسیر قرآن کریم است.

قرطبی در تفسیر آیه «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَ أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَدَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: 140) ذیل پرداختن به قرائات مربوط به «أَمْ تَقُولُونَ» به معیار سیاق به عنوان دلیل ترجیح یک



قرائت بر قرائات دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: حمزه، کسائی و عاصم در روایت حفص «تَقُولُونَ» را با تاء قرائت نموده‌اند که این قرائت حسن است؛ زیرا که با سیاق کلام مطابقت دارد (قرطبی، 1364: 147/2).

همچنین در آیه «أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يَخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ» (نمل: 25) ذیل قرائات «أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ» از این آیه می‌گوید: قرائت «الا» در این آیه با تشدید و تخفیف قرائت شده است و همان طور که نحاس گفته است، قرائت تخفیف بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا در این صورت کلام معترضه می‌شود و علاوه بر آن قرائت تشدید با کلام و سیاق مطابقت دارد (قرطبی، 1364: 186/14).

قرطبی در مواردی دیگر نیز در پذیرش قرائات صحیح به سیاق و ادامه همان آیه استناد می‌کند. به‌طور مثال در سوره انعام آیه 117 «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» در بیان قرائت عبارت «يَضِلُّ» به دو نوع قرائت منقول اشاره می‌کند؛ قرائت مشهور و دیگری قرائت (يَضِلُّ) بنا بر حذف مفعول.

قرطبی در اینجا قرائت مشهور را نسبت به قرائت دوم احسن می‌داند و دلیل خود را در ادامه همان آیه می‌داند؛ زیرا خدای متعال می‌فرماید: «وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ». در غیر این صورت باید می‌فرمود: (هو اعلم بالهادين) (قرطبی، 1364: 72/7).

2. مطابقت با مصاحف

مطابقت با مصاحف نیز از معیارهای نقد قرائات منقول است که در تفسیر جامع لأحكام القرآن از آن استفاده شده است. قرطبی در بسیاری از موارد قرائات را با مصحف مشهور و سایر مصاحف اعم از مصاحف مدینه، مکه، بصره، کوفه و... و همچنین مصاحف صحابه مطابقت می‌دهد.

در آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (بقره:

161) ذیل اختلاف قرائات این آیه می‌گوید: حسن بصری عبارت (و- الملائكة و- الناس أجمعون) را با رفع خوانده است و تأویل آن «أُولَئِكَ جزاءهم أن يلعنهم الله و- يلعنهم الملائكة و-

يلعنهم الناس أجمعون» است و این قرائت قابل پذیرش نیست؛ زیرا قرائت رفع با مصاحف مخالفت دارد (قرطبی، 1364: 147/2).

در آیه «وَ إِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ» (زخرف: 61) در بیان قرائات ذیل عبارت «إِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ» نیز می گوید: از عکرمه قرائت (للعلم) روایت شده است که البته با مصاحف مطابقت ندارد (قرطبی، 1364: 186/14).

قرطبی همچنین در بیان قرائات منقوله در آیه «يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (هود: 105) به سه قرائت از عبارت «يَوْمَ يَأْتُ» اشاره می کند و می گوید: اهل مدینه، ابوعمر و کسائی «یاء» را در هنگام وصل، ثبوت می دهند و در هنگام وقف حذف کرده اند. ابن مسعود به صورت (یوم یأتی) با ثبوت «یاء» در هنگام وقف و وصل قرائت کرده است و اعمش و حمزه نیز به صورت «يَوْمَ يَأْتُ» با حذف «یاء» در وقف و وصل قرائت می کرده اند. قرطبی در ادامه در بیان احتیاجات قرائت حمزه به مصحف امام یا همان مصحف عثمان استناد می کند (قرطبی، 1364: 97/10).

در آیه «وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا» (انسان: 15) در عبارت «قَوَارِيرًا» به دو قرائت (منون و غیر منون) اشاره می کند و می گوید: نافع، کسائی و ابوبکر این عبارت را تنوین می دهند؛ اما باقی قراء بدون تنوین قرائت نموده اند. قرطبی در ادامه این بحث به ذکر چهار دلیل می پردازد و یکی از دلایل پذیرش قرائت مشهور را تبعیت از مصاحف از جمله مصاحف مکه، مدینه و کوفه بیان می کند که این مصاحف با «الف» قرائت نموده اند (قرطبی، 1364: 124/20).

همچنین در بیان قرائت عبارت «أَجْمَعِينَ» از آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (بقره: 161) می گوید: حسن بصری این عبارت را به صورت رفع (اجمعون) قرائت کرده است که این قرائت البته مخالف مصاحف است (قرطبی، 1364: 90/2).



همچنین در سوره طه آیه 63 در عبارت «إِنْ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ»، قرائت غیر مشهور (إِنْ هَٰذِينَ لَسَاحِرَانِ) را رد می‌کند و می‌گوید: این قرائت را عثمان و عایشه و صحابه دیگر نقل کرده‌اند و همچنین حسن بصری، سعید بن جبیر، ابراهیم نخعی و تابعین دیگر و عیسی بن عمرو و عاصم جحدری از قراء نیز این گونه قرائت نموده‌اند. هر چند این قرائت موافق اعراب است؛ اما مخالف مصحف می‌باشد (قرطبی، 1364: 216/11).

3. مطابقت با قواعد و شعر عرب

از دیگر معیارهای قرطبی در انتخاب روایات توسط قرطبی در تفسیر جامع لأحكام القرآن، مطابقت قرائات منقوله با قواعد و شعر عرب است که در موارد متعدد در این تفسیر دیده می‌شود.

در این باب می‌توان به آیه «أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يَطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: 184) اشاره کرد. قرطبی در بحث قرائات مربوط به عبارت «عَلَى الَّذِينَ يَطِيقُونَهُ» می‌گوید: جمهور، این عبارت را با کسر حرف طاء و سکون یاء قرائت نموده‌اند و اصل آن (یطوقونه) است که کسره به حرف طاء منتقل شده و به منظور هماهنگی با ماقبل، حرف واو به یاء قلب شده است. مشهور قرائت منقول از ابن عباس (یطوقونه) است، به فتح حرف طاء مخففه و تشدید حرف واو به معنای (یکلفونه) است.

قرطبی در ادامه این بحث، قرائت مشهور را با دلایلی از قواعد عرب رد و نقد می‌کند: و اما مجاهد عبارت «يَطِيقُونَهُ» با یاء بعد از طاء بنا بر لفظ (یکیلونه) را نقل می‌کند که البته این باطل و محال است؛ زیرا فعلی که مأخوذ از (الطوق) باشد، آوردن واو در آن لازم و بلکه واجب و آوردن حرف یاء در این کلمه هیچ‌گونه مدخلی ندارد (قرطبی، 1364: 286/2 و 287).

همچنین در آیه 185 همین سوره در قرائات منقوله از عبارت «شَهْرٌ» می‌گوید: جمهور این عبارت را با رفع بنابر خبر برای مبتدای مضمَر می‌پذیرند یا این که رفع بنابر مبتدا که خبرش «الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» و یا «فَمَنْ شَهِدَ» باشد و «الَّذِي أُنْزِلَ» صفت بر آن باشد. مجاهد نیز

این عبارت را با نصب خواننده بنابر قاعده اغراء. همچنین روایت شده قرائتی که در آن حرف راء در «شَهْرُ» با حرف راء در «رَمَضَان» ادغام شود، اما این نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا در اینجا اجتماع ساکنین جایز نیست و لازم است که حرکت حرف راء به حرف فاء منتقل شود و حرف هاء ضمه دار شود و سپس ادغام صورت گیرد (قرطبی، 1364: 297/2).

قرطبی در بسیاری از موارد در رد یا پذیرش قرائات به شعر عرب نیز احتجاج کرده است؛ به عنوان مثال در آیه «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّغْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (بقره: 203) در عبارت «فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» می گوید: سالم بن عبدالله این عبارت را به صورت (فلا اثم علیه) با الف وصل به صورت مخفف قرائت کرده است و در عرب نیز این گونه استعمال می شود، همان طور که شاعر سروده است: «إِنْ لَمْ أَقَاتِلْ فَالْبُسُونِي بِرَقْعَا» (قرطبی، 1364: 14/3).

در سوره مبارکه حمد آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد: 5) در عبارت «إِيَّاكَ» قرائت های مختلف را نقل می کند و سپس قرائت «هیاک» (در دو موضع) را از ابو السوار الغنوی نقل می کند و سپس به شعر عرب استناد می کند: فهياك و الامر الذي إن توسعت / موارد ضاقت عليك مصادره (قرطبی، 1364: 146/1).

همچنین در قرائت عبارت «أَرَأَيْتَكُمْ» از آیه «فَلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَعْبَرِ اللَّهُ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (انعام: 40)، قرائت (أريتكم) را با حذف همزه دوم، از عیسی بن عمر و کسائی نقل می کند و به قول نحاس احتجاج می کند که این قرائت در نزد عرب بعید است، هر چند در شعر عرب جایز است. عرب در این گونه مواقع می گوید: (أَرَأَيْتَكَ زَيْدًا مَا شَأْنُهُ) (قرطبی، 1364: 423/6).

قرطبی گاهی اوقات در بیان صحت قرائات به لغات قبایل عرب استناد و احتجاج می کند و حتی لغت برخی قبایل مثل حجاز را برتر از قبایل دیگر می داند. به طور مثال در



آیه «قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» عبارت «ضَلَلْتُ» می‌گوید: «ضَلَلْتُ» را فتح لام و همچنین کسر لام قرائت نموده‌اند؛ ابو عمرو و بن العلاء با کسر قرائت نموده است که آن لغت تمیم است و همچنین قرائت یحیی بن وثاب و طلحه بن مصرف نیز همین‌گونه است. اما قرائت اول (قرائت با فتح لام) صحیح و بلکه فصیح‌تر است؛ زیرا آن قرائت طبق لغت اهل حجاز است و قرائت مورد قبول جمهور نیز می‌باشد (قرطبی، 1364: 438/6).

4. معیار تفسیر و حکم آیه

توجه به حکم آیه و تفسیر آن از جمله معیارهای قرطبی در نقد قرائات در تفسیر جامع لأحكام القرآن است. به عنوان مثال در تفسیر آیه 184 سوره بقره آمده است: اهل مدینه و شام، «طَعَام» را به (مساکین) که جمع است اضافه می‌کنند؛ و اما ابن عباس «طَعَامٌ مِسْكِينٍ» یعنی مفرد آن را قرائت کرده است و این قرائت حسن است و قابل قبول؛ زیرا این آیه در صدد بیان حکم امروز است. ابو عبیده نیز در تایید این قرائت می‌گوید: این آیه می‌خواهد وجود طعام برای هر روز را بیان کند. بنابراین، لفظ واحد می‌تواند بیانگر جمع باشد؛ اما لفظ جمع نمی‌تواند بیانگر واحد باشد (قرطبی، 1364: 287/2).

قرطبی در تفسیر آیه «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران: 35) در توجیه قرائت نصب عبارت «مُحَرَّرًا»، بنا بر حال بودن، 3 دلیل تفسیری، سیاق کلام و اعرابی را آورده است و در بیان وجه تفسیری نصب در این قرائت می‌گوید: از باب تفسیری به این علت است که گفته شده سبب قول زن عمران این بود که او به سن پیری رسیده بود و بچه‌دار نمی‌شد. زن عمران عليها السلام در مکانی زیر درختی ایستاده بود و پرنده‌ای را دید که به جوجه‌هایش غذا می‌داد و او هم در دلش تحرک و میل نسبت به فرزند ایجاد شد و از این رو، از پروردگارش خواست به او فرزندی عطا کند و نذر کرد که آن را آزاد قرار دهد؛ یعنی خالص برای خدا و خادم در کنیسه باشد (قرطبی، 1364: 66/4).

در بیان قرائت عبارت «قُلِ الْعَفْوَ» از آیه «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» نیز گفته شده است: جمهور این عبارت را با نصب خوانده‌اند و ابو عمرو، حسن، قتاده و ابن ابی اسحاق نیز با

رفع خوانده‌اند که هر دو این قرائات نیکو و حسن هستند، جز این که قرائت نصب مطابقت با تفسیر آیه دارد (قرطبی، 1364: 61/3).

قرطبی در قرائت «أَوَّلًا يَذْكُرُ» از آیه «أَوَّلًا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا» ابتدا به بیان قرائت منقول از ابو عمر، ابو جعفر، شبیه، نافع و عاصم و قرائت (یتذکر) می‌پردازد و سپس می‌گوید: این قرائت (یتذکر) مطابق تفسیر آیه است، اگرچه مخالف خط مصحف می‌باشد (قرطبی، 1364: 131/11).

همچنین در قرائت «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ» در آیه 69 سوره مبارکه زمر «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»، در تأیید قرائت مشهور آن را با تفسیر آیه شریفه مطابق می‌داند (قرطبی، 1364: 282/16).

5. معیار مطابقت با آیات دیگر

از دیگر معیارهایی که در تفسیر جامع لأحكام القرآن در بحث قرائات به وفور یافت می‌شود، مطابقت با سایر آیات الهی به عنوان سند قطعی و حیانی است.

در این رابطه می‌توان به آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (بقره: 210) و عبارت «تُرْجَعُ الْأُمُورُ» اشاره نمود. قرطبی در بیان قرائات این عبارت، به دو قرائت نصب و رفع اشاره می‌کند و می‌گوید: ابن عامر، حمزه و کسائی، این عبارت را بنابر فعل برای فاعل به صورت رفع قرائت کرده‌اند و این اصل است و دلیلشان هم آیات مختلفی است از جمله: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری: 53) و «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ» (مائده: 48). سایر قراء «تُرْجَعُ» را فعل برای مفعول می‌دانند و «الأُمُور» را به صورت نصب قرائت نموده‌اند و این قرائت نیز حسن است و دلیل آن نیز آیاتی چون «ثُمَّ تَرْجَعُونَ» (توبه: 94)، «ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ» (انعام: 62) و «وَلَنُؤَدِّيَنَّ إِلَى رَبِّي» (کهف: 36) است. به طور کلی هر دو این قرائات حسن هستند، هر چند قرائت رفع اصل است و قرائت نصب فرع است و بیانگر این نکته هستند که همه امور در نهایت به خدای متعال برمی‌گردد و در قیامت مالکیت بندگان از بین می‌رود و همه از آن خدا است. (قرطبی، 1364: 26/3)



قرطبی همچنین در آیه دیگری به این معیار توجه داشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: 254).
 قرطبی در این آیه در باب اختلاف قرائات عبارت «لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ» از این آیه می‌گوید: ابن کثیر و ابو عمرو (بیع، خلة و شفاعة) را به صورت نصب بدون تنوین قرائت کرده‌اند و شاهد مثال در این رابطه، آیه «لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ» (ابراهیم/31) و «لَعُوْ فِيهَا وَلَا تَأْتِي» (طور: 23) است که این گونه قرائت شده‌اند و البته شعر حسان بن ثابت نیز دلیلی دیگر بر اثبات این قرائت است: «أَلَا طَعَانٌ وَلَا فَرَسَانٌ عَادِيَةٌ إِلَّا تَجْشَوْكُمْ عِنْدَ التَّنَائِيرِ» (قرطبی، 1364: 266/3 و 267).

همچنین قرطبی در آیه 83 سوره انعام «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ» در بیان قرائات «دَرَجَاتٍ» در پذیرش یک قرائت خاص علاوه بر آیات قرآن به روایات نیز احتجاج می‌کند و می‌گوید: کوفیان عبارت «دَرَجَاتٍ» را با تنوین قرائت می‌کنند و اهل حریم و ابو عمرو به صورت اضافه و بدون تنوین قرائت می‌کنند. این قرائت را قول خدای متعال «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ» و همچنین روایت (اللهم ارفع درجته) نیز تقویت می‌کند (قرطبی، 1364: 30/7 و 31).

در قرائت عبارت «ادْخُلُوهَا» در آیه «فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ، ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ» (حجر/46) نیز می‌گوید: قرائت مورد پذیرش عامه «ادْخُلُوهَا» با وصل الف و ضم حرف خاء است و حسن و ابوالعالیه و رويس (ادخلوها) با تنوین ضم و وصل الف و نیز کسر حرف خاء بنابر فعل مجهول بودن، قرائت می‌کند. دلیل کسانی که تنوین کسر می‌دهند را می‌توان آياتی از جمله «بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ» دانست (قرطبی، 1364: 32/11).

این نوع احتجاج در مورد قرائات آیه «مَنْ يَصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ» (انعام: 16) نیز به چشم می‌خورد. قرطبی در مورد عبارت «مَنْ يَصْرَفْ» می‌گوید: کوفیان این عبارت را با فتح حرف یاء و کسر حرف راء قرائت کرده‌اند؛ ابی حاتم و ابی عبید همین را اختیار کرده‌اند و دلیل آن نیز این آیه شریفه است: «قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ»

(انعام: 12) و همچنین این فراز از آیه «فَقَدْ رَجِمَهُ» است؛ زیرا که (رحم) مجهول نیست (قرطبی، 1364: 397/6).

د. رویکردهای قرطبی در مواجهه با اختلاف قرائات
 قرطبی در مواجهه با اختلاف قرائات رویکرد ثابتی نداشته و گاهی اوقات در برابر اختلاف قرائات سکوت اختیار می‌کند و هیچ نظری ارائه نمی‌دهد و گاهی دو یا چند قرائت را تایید می‌کند و گاهی یک قرائت را رد می‌کند و در پاره‌ای از موارد یک قرائت را تأیید می‌کند. در ادامه به بحث و بررسی هر یک از این موارد پرداخته خواهد شد.

1. سکوت اختیار کردن در مواجهه با اختلاف قرائات
 جناب قرطبی در اغلب اوقات به ذکر موارد متعدد قرائات از یک عبارت یا آیه می‌پردازد و نظرات مختلف دانشمندان را به گونه‌ای ملال‌آور بیان می‌کند؛ اما در نهایت بدون هیچ گونه اظهار نظر و تایید و یا رد آن‌ها، بحث را به اتمام می‌رساند.

به عنوان مثال در تفسیر آیه 165 سوره مبارکه اعراف همین رویکرد را دنبال می‌کند: «فَلَمَّا سُوا مَا نُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ».

در این آیه در رابطه با عبارت «بِعَذَابٍ بَئِيسٍ» به نقل 11 قرائت مختلف می‌پردازد: 1. قرائت منقول از ابی عمرو، حمزه و کسائی (بئیس) بر وزن فعیل؛ 2. قرائت اهل مکه (بئیس) به کسر حرف باء؛ 3. قرائت اهل مدینه (بیس) که حرف باء مکسوره، حرف یاء ساکن و حرف سین تنوین کسره باشد و در این رابطه دو تا قول است: قول کسائی که اصل آن را (بئیس) می‌داند که همزه در آن مخففه است و التقاء در حرف یاء صورت گرفته و یکی از آن دو یاء حذف شده است و سپس مکسور کردن یاء دوم مانند «رغیف» و «شهید». دوم، گفته شده بر وزن (بئس) بر وزن «فعل» با کسر حرف اول و تخفیف همزه و حذف کسره مانند «رحم»؛ 4. قرائت حسن که یاء مکسوره و حرف بعد ساکن و بعد از آن سین مفتوحه؛ 5. قرائت ابو عبدالرحمن (بئس) که حرف باء مفتوحه و همزه مکسوره و سین تنوین کسره باشد؛ 6. قرائت یعقوب قاری و برخی دیگر قرائت (بعذاب بئس) که باء مفتوحه و همزه



مکسوره و سین مفتوحه باشد؛ 7. قرائت اعمش (بیس) بر وزن «فعل»؛ 8. (بیأس) بر وزن «فعل»؛ 9. همچنین از اعمش (بیس) نقل شده است که باء مفتوحه و همزه مشدده مکسوره که سین در همه این موارد (از قرائات اعمش) تنوین کسره است؛ 10. قرائت نصر بن عاصم (بعذاب بیس) که حرف باء مفتوحه و یاء مشدده است؛ 11. قرائتی که از یعقوب نقل شده است که بعضی قراء به صورت (بیس) که حرف باء مکسور و حرف بعدی همزه ساکنه و حرف بعدی آن یاء مفتوحه باشد (قرطبی، 1364: 308/7 و 309).

قرطبی در ادامه این بحث به بیان اقوال مختلف دانشمندان در رد و پذیرش این وجوه می پردازد؛ اما خود در نهایت سکوت کرده و هیچ گونه اظهار نظری در رد یا قبول این قرائات و یا حتی قبول یا رد نظرات دانشمندان، ارائه نمی دهد. در حالی که انتظار خواننده این است که پس از بیان این موارد متعدد از قرائات و نظرات دانشمندان، نظر نهایی و ترجیح نویسنده در مورد این قرائات بیان گردد.

در آیه 102 سوره مبارکه طه، نیز وضع به همین منوال است: «يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا».

در این آیه عبارت «يَنْفُخُ» به چند صورت قرائت شده و قرطبی نیز به آن ها اشاره کرده است؛ اما در نهایت، نسبت به انتخاب قرائت ترجیحی سکوت کرده است. قرطبی در رابطه با قرائت این آیه می گوید: عبارت «نُفَخَ» با ضم حرف یاء بنابر فعل مجهول قرائت شده است و همچنین ابوعمر و ابن ابی اسحاق با نون بنا بر فاعلیت قرائت کرده اند؛ مانند قول خدای متعال در آیه «وَنَحْشُرُ». از ابی هرمرز نیز قرائت (ينفخ) با فتح حرف یاء به معنی (ينفخ اسرائیل) قرائت شده است (قرطبی، 1364: 244/11).

از جمله آیاتی که در تفسیر الجامع لأحكام القرآن نسبت به قرائات آن هیچ اظهار نظری از سوی مفسر صورت نگرفته است، عبارت «لَا يَخْرُجُ لَهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ» در آیه «لَا يَخْرُجُ لَهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَ تَلْقَاهُمْ أَلْمَلَكَةُ هَٰذَا يَوْمَئِذٍ كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (انبیاء: 103) است که «يَخْرُجُ لَهُمُ» در این آیه به دو صورت به ضم حرف یاء و کسر حرف زاء و همچنین به صورت فتح حرف یاء و ضم حرف زاء قرائت شده است (قرطبی، 1364: 346/11).

همچنین در سوره حج آیه «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» (حج: 27)، عبارت «وَأَذِّنْ» به چند صورت قرائت شده است: جمهور این عبارت را با تشدید حرف ذال قرائت کرده‌اند و حسن بن ابی الحسن و ابن‌محیسن آن را با تخفیف حرف ذال و مدّ حرف الف قرائت کرده‌اند و ابن عطیه (آذن) بنا بر فعل ماضی بودن قرائت نموده است (قرطبی، 1364: 37/13). در این آیه نیز در انتخاب قرائت یا قرائات ترجیحی، ساکت مانده است.

2. تأیید دو یا چند قرائت

گاهی اوقات قرطبی در برخورد با قرائات مربوط به یک عبارت از آیه دو یا چند قرائت را تأیید می‌کند. به‌طور مثال در آیه «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسَعِ قَدْرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره: 236) در عبارت «تَمْسُوهُنَّ» به دو قرائت در این باره اشاره می‌کند و می‌گوید: نافع، ابن‌کثیر، ابی عمرو، عاصم و ابن‌عمر این عبارت را با فتح حرف تاء به‌صورت ثلاثی قرائت کرده‌اند؛ اما حمزه و کسائی آن را به‌صورت (تماسوهن) از باب مفاعله قرائت کرده‌اند. قرطبی در ادامه نظر ابو علی را نقل می‌کند و می‌گوید که او قرائت اول را ترجیح داده است؛ اما دو قرائت حسن و مورد تأیید هستند (قرطبی، 1364: 199/3).

قرطبی در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَ لَا تَغْضُلُوهُنَّ لِيَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: 19) در ذیل قرائات «مُبيَّنة» سه قرائت را نقل می‌کند و همه آن‌ها را فصیح می‌داند. قرطبی در تفسیر خود می‌گوید: نافع و ابی عمرو (مبینه) را به‌صورت کسره حرف یاء قرائت نموده‌اند و سایر قراء با فتح حرف یاء و علاوه بر این دو، ابن‌عباس (مبینه) را با کسر حرف باء و سکون حرف یاء قرائت کرده است از باب (ابان الشيء) و (ابان الامر بنفسه). قرطبی در ادامه، این قرائات سه گانه را فصیح می‌داند و بدین صورت آن‌ها را تأیید می‌کند (قرطبی، 1364: 96/5).



در آیه «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/29) نیز دو قرائت در ذیل عبارت «رَجُلًا سَلَمًا» بیان شده است که هر دو این قرائات را حسن می‌شمارد. قرطبی در ذیل این آیه می‌گوید: اهل کوفه و اهل مدینه به صورت (رجلا سلم) قرائت کرده‌اند و ابن‌عاصم، مجاهد، حسن، عاصم جحدری، ابوعمر، ابن‌کثیر و یعقوب به صورت (رجلا سالما) قرائت نموده‌اند و هر چند ابوعبیده این قرائت را به جهت صحت تفسیر آن برگزیده و نحاس نیز آن را رد کرده است؛ اما این دو قرائت حسن هستند؛ زیرا که ائمه قرائات به هر دو صورت قرائت کرده‌اند (قرطبی، 1364: 253/16).

3. رد یک قرائت و پذیرفتن دیگری

قرطبی در تفسیر جامع لأحكام القرآن گاهی اوقات قرائاتی را نقل می‌کند و یک قرائت را رد کرده و قرائت دیگر را می‌پذیرد. به عنوان مثال در آیه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» (بقره: 255) در نقل اختلاف قرائات عبارت «الْحَيُّ الْقَيُّومُ» به دو قرائت اشاره می‌کند: در این آیه «الْحَيُّ الْقَيُّومُ» قرائت شده؛ و اما ابن‌مسعود، علقمه، اعمش و نخعی به صورت (الحی القیام)؛ یعنی با حرف الف قرائت کرده‌اند که قرائت عمر نیز به همین صورت بوده است؛ اما در نزد عرب اختلافی در این نیست که «الْقَيُّومُ» شناخته شده‌تر است. قرطبی در ادامه اشاره می‌کند که این قرائت از حیث بنای عربیت و تطابق با قواعد و شعر عرب نیز صحیح‌تر است و لذا تنها این قرائت مورد پذیرش است (قرطبی، 1364: 272/3). در آیه «أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا» (فرقان: 8) نیز وضع به همین منوال است و جناب قرطبی دو قرائت نقل شده از عبارت «يَأْكُلُ» را نقل می‌کند و در نهایت، یکی را مبین‌تر نسبت به معنا می‌داند: اهل مدینه و ابوعمر و عاصم این عبارت را با حرف یاء قرائت کرده‌اند؛ اما سایر کوفیون با حرف نون. هر چند هر دو این قرائات حسن هستند؛ اما قرائت با حرف یاء واضح‌تر و مبین‌تر است؛ زیرا که رسول خدا؟ ص؟ به تنهایی ذکر شده و ضمیر به ایشان بر می‌گردد (قرطبی، 1364: 5/14 و 6).

4. تأیید و ترجیح یک قرائت از بین دو یا چند قرائت

از دیگر روش‌های برخورد قرطبی در تفسیر جامع لأحكام القرآن در مواجهه با اختلاف قرائات، ترجیح یک قرائت از بین چند قرائت مورد پذیرش او است. به عنوان مثال در آیه «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» (توبه: 17) در عبارت «مَسَاجِدَ اللَّهِ»، به دو قرائت نقل شده است: یکی به صورت (مسجد الله) به صورت مفرد و به معنای مسجد الحرام قرائت شده است و این قرائت را قرائی مانند ابن عباس، سعید بن جبیر، عطاء بن ابی رباح، مجاهد، ابن کثیر، ابی عمرو، ابن محیصن و یعقوب روایت کرده‌اند. سایر قراء به قرائت مشهور «مَسَاجِدَ اللَّهِ» به صورت عام قرائت نموده‌اند و ابو عبیده نیز همین را اختیار کرده است؛ زیرا که خاص و اعم تحت لفظ عام قرار می‌گیرند و احتمال دارد که منظور از جمع، خاص مسجد الحرام باشد و این شیوه در اسماء جنس رایج و جایز است. بر این اساس، قرائت مساجد صحیح‌تر و اصوب است؛ زیرا که دو تا معنای جمع و مفرد را در خود می‌تواند جای دهد و نحاس بر اساس آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه: 18) این قرائت را پذیرفته است (قرطبی، 1364: 90/9).

همچنین در آیه «يَرْثِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًا» (مریم: 6) نیز همین گونه است؛ قرطبی در ذیل عبارت «يَرْثِي وَيَرِثُ» از این آیه می‌گوید: اهل حرمین، حسن، عاصم و حمزه این عبارت را به صورت مشهور «يَرْثِي وَيَرِثُ» با رفع هر دو، قرائت کرده‌اند و این دو بر اساس مذهب سیبویه جواب برای «هَب» حساب نمی‌شود و تقدیر آن این است: إن تهبه يرثي و- يرث. از میان این دو قرائت، قرائت اول صحیح‌تر است؛ زیرا که طلب کرده است وارثی را که دارای چنین و چنان صفت و وصفی باشد (قرطبی، 1364: 81/11).

بنابراین، قرطبی در این آیه نیز از بین دو قرائت یکی را صحیح‌تر می‌داند و در نتیجه نسبت به قرائت دیگر ارجحیت می‌دهد.

در آیه 271 سوره بقره که قبلا اشاره شد، پس از بیان قرائات مختلف «وَيَكْفُرُ» (با نون و رفع راء، نون و جزم راء، یاء و نصب راء، یاء و رفع راء، حرف یاء و جزم راء، تاء و کسر



تاء و جزم راء، تاء و فتح تاء و جزم راء، تاء و رفع راء، ياء و نصب راء، نون و رفع راء و ياء بدون واو قبل آن) در نهایت، قرائت با نون و نصب راء را ضعیف می‌شمارد و قرائت جزم حرف راء را افصح‌ترین می‌شمارد که می‌توان از این گفته قرطبی پی برد که ایشان قرائت جزم را به سایر قرائات ارجحیت داده است (قرطبی، 1364: 335/3 و 336).

گاهی اوقات در تفسیر قرطبی به دو قرائت اشاره می‌کند و یکی را حسن می‌شمارد و به تعبیری مورد تأیید قرار می‌دهد؛ اما هیچ‌گونه اظهار نظری در مورد قرائت دیگر در رد یا پذیرش آن نمی‌کند؛ اما با توجه به تأیید قرائت اول و سکوت در مورد قرائت دوم، می‌توان به این نکته دست یافت که ایشان دو قرائت را پذیرفته است و یا لا اقل رد نمی‌کند؛ اما یکی از این دو را حسن می‌شمارد و به تعبیری ترجیح می‌دهد. به‌عنوان مثال در آیه «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَدَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: 140) که در مباحث گذشته با آن اشاره شد، در عبارت «أَمْ تَقُولُونَ» دو قرائت را ذکر کرده است و می‌گوید: حمزه، کسائی و عاصم در روایت حفص به‌صورت قرائت مشهور «تَقُولُونَ»؛ یعنی با حرف تاء قرائت شده است و این قرائت حسن است به‌دلیل سیاق و معنی آن این است که: آیا محاجه می‌کنید با خدا که انبیاء بر دین و آیین شما هستند؟! در این قرائت، ام متصله است، اما قرائت با ياء (يقولون)، ام منقطعه است و در نتیجه دو کلام جدا به شمار می‌آیند و ام در این قرائت به معنای «بل» است (قرطبی، 1364: 146/2).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، قرائت علمی است که به تلفظ الفاظ قرآن کریم با همان کیفیت که از رسول خدا ﷺ نقل شده و یا تأیید فرموده است به‌گونه‌ای که از نص وحی الهی حکایت کند، می‌پردازد. از این رو، یکی از مباحثی که مفسران در تفاسیر آن به آن پرداخته‌اند، بیان اختلاف قرائات، نقد و انتخاب قرائات مورد قبول است.

ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الأنصاری الخزر جی الأندلسی القرطبی از مفسران قرن هفتم اهل سنت و صاحب تألیفات متعدد است که مهم‌ترین آن‌ها تفسیر «الجامع

لأحكام القرآن، والمبين لما تضمنه من السنة وآي الفرقان» است که به تفسیر «الجامع لأحكام القرآن» مشهور و در این تحقیق به بررسی آن پرداخته شده است.

در این تحقیق با روش تحلیلی توصیفی به رویکرد محمد بن احمد قرطبی در تفسیر جامع لأحكام القرآن در مواجهه با اختلاف قرائات پرداخته و نتایج زیر نیز حاصل شد:

1. قرطبی در تفسیر خود در خلال مباحث تفسیری (نه به صورت تفکیک شده و جدا) به بحث در مورد اختلاف قرائات پرداخته است به گونه‌ای که در بسیاری از موارد علاوه بر بیان همه یا بیشتر قرائات منقول و قراء آنها، به بیان مباحث تفسیری و تقدیر آیات طبق قرائات مختلف و همچنین احتجاجات صرفی، نحوی و... نیز می‌پردازد.
2. از مواردی که در مقدمه این تفسیر به دست می‌آید، پرداختن به حدیث «سبعة احرف» و اعتقاد به «تواتر قرائات سبعة» و در نتیجه آن بحث محدود در تحلیل و نقد اختلاف قرائات منقول است.
3. از جمله معیارهای انتخاب قرائات و نقد آنها در تفسیر الجامع لأحكام القرآن معیار سیاق است؛ قرطبی از معیار سیاق در آیات متعدد به عنوان دلیل ترجیح یک قرائت بر قرائات دیگر اشاره می‌کند.
4. از دیگر معیارهای قرطبی در قرائات معیار مطابقت با مصحف مشهور و سایر مصاحف اعم از مصاحف مدینه، مکه، بصره، کوفه و... و همچنین مصاحف صحابه است.
5. مطابقت با قواعد و شعر عرب نیز از مواردی است که قرطبی در تفسیر خود به عنوان معیار نقد قرائات استفاده می‌کند.
6. قرطبی همچنین از معیار مطابقت با تفسیر و حکم آیه به عنوان معیاری دیگر برای گزینش قرائات استفاده می‌کند.



7. آخرین معیار نقد قرائات که از متن تفسیر جامع لأحكام القرآن به دست می‌آید معیار مطابقت با سایر آیات است.
8. قرطبی در مواجهه با اختلاف قرائات شیوه‌هایی مختلف استفاده می‌کند: گاهی اوقات سکوت اختیار می‌کند و در مواردی به ترجیح یک قرائت از بین دو یا چند قرائت می‌پردازد و گاهی نیز یک قرائت را رد می‌کند و قرائت دیگری را می‌پذیرد. همچنین در بسیار از موارد به تأیید دو یا چند قرائت روی می‌آورد.

فهرست منابع

1. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، 1384 ش.
2. ابن رشید فهری، محمد بن عمر، ملء العیبه بما جمع بطول الغیبه فی الوجهه الوجهه الی الحرمین مکة و طیبه، تونس، الشرکه التونسیه للتوزیع، 1981 ق.
3. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، 1414 ق.
4. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الدرر الكامنه فی أعیان المئه الثامنه، بیروت: دارالجلیل، بی تا.
5. أحمد بن محمد الدمیاطی، شهاب الدین البناء، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، محقق: أنس مهره، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1427 ق.
6. اسماعیلی، داود، براتی، نسبه، «تحلیل رویکرد فخر رازی در مواجهه با قرائات در تفسیر مفاتیح الغیب»، مجله پژوهش دینی، شماره 41، 1399 ش.
7. بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، 1380 ش.
8. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه إحياء الآثار الامام الخوئی، بی تا.
9. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، قاهره: مکتبه وهبه، بی تا.
10. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (به تحقیق: صفوان عدنان داودی)، دمشق، دارالعلم، 1412 ق.
11. زرکشی، ابوعبدالله بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، محقق: محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار إحياء الكتب العربیه عیسی البابي الحلبي وشركائه، 1376 ق.
12. سیوطی، جلال الدین، طبقات المفسرین العشرين، محقق: علی محمد عمر، قاهره: مکتبه وهبه، 1396 ش.



13. شیرینی، راضیه، «اختلاف قرائات در تفسیر اطیب البیان»، مجله مطالعات قرائت قرآن، شماره 13، 1398ش.
14. فاکر میبدی، محمد، «اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی»، مجله قرآن شناخت، شماره 8، 1390ش.
15. فضل‌ی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه: سید محمد باقر حجتی، قم: انتشارات اسوه، چاپ چهارم، 1378ش.
16. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1386ش.
17. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، 1364ش.
18. محمد بن علی بن أحمد، شمس الدین الداودی المالکی، طبقات المفسرین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
19. المراکشی، ابی عبدالله محمد بن محمد، الذیل و التکملة لکتاب الموصول و الصله، تحقیق احسان عباس، تونس، دارالغرب السالمی، 1973م.
20. مشهور بن حسن آل سلمان، أبو عبیده، الإمام القرطبی شیخ أئمة التفسیر، دمشق، دارالقلم للطباعة و النشر و التوزیع، 1413ق.
21. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی تمهید، چاپ هفتم، 1380ش.
22. مودب، سید رضا، خوشنویس، علی، «بررسی چیهستی و جایگاه مبانی زبانی - ادبی در اختیار قرائات در تفسیر مجمع البیان»، مجله پژوهش‌های ادبی - قرآنی، شماره 2، 1397ش.

Resources

1. The Holy Quran 'Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, 2005.
2. Ahmad bin Mohammad al-Damiati, Shahab al-Din al-Banna, Ithaf Fadula al-Bashr in the 14 Recitations, Researcher: Anas Mehrab, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyag, 1427 A.H.
3. Al-Marakshi, Abi Abdallah Mohammad bin Mohammad, Al-Dhail wa al-Takmilah li Kitab al-Mausul wa al-Silah, Research by Ehsan Abbas, Tunis, Dar al-Gharb al-Islami, 1973.
4. Babaei, Ali Akbar, Methodology of Quran Interpretation, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books, 2001.
5. Dhahabi, Mohammad Hossein, Al-Tafsir and al-Mufasssirun, Cairo: Maktabah Wahbah, n.d.
6. Esmaili, Daoud, Barati, Nasibah, "An Analysis of Fakhr Razi's Approach in Dealing with Recitations in the Interpretation of Mafatih al-Ghayb", Journal of Religious Studies, No. 41, 2020.
7. Fakir Meybodi, Mohammad, "Differences in Recitations (Qira'at) and its Role in Interpretation from the Perspective of Allamah Tabatabai", Quran Studies Magazine, No. 8, 2011.
8. Fazli, Abdul Hadi, An Introduction to the History of Recitations of the Holy Quran, Translated by Seyyed Mohammad Baqir Hojjati, Qom: Uswa Publications, 4th Edition, 1999.
9. Ibn Manzoor, Mohammad ibn Makram, Lisan al-Arab, Beirut: Dar Sadir, Third Edition, 1414 A.H.
10. Ibn Rashid Fahri, Mohammad ibn Omar, Mil' al-Aibah Bama Jama Bitul al-Ghaibah in al-Wajhah al-Wajihah ila Haramin Makkah wa Tayyabah, Tunis, Al-Tunsiya Company for Distribution, 1981.
11. Ibn-Hjar Asqlani, Ahmad ibn Ali, Al-Durr al-Kaminah fi A'yan al-Mi'ah al-Thaminah, Beirut: Dar al-Jayl, n.d.
12. Khoei, Abu al-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Qom: Imam Al-Khoei Institute for Revival of Works, n.d.
13. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Quranic Sciences, Qom: Tahmid Cultural Institute, 7th Edition, 2001.
14. Mashhoor bin Hassan al-Salman, Abu Ubaidah, Imam al-Qurtubi, Sheikh of the Imams of Tafsir, Damascus, Dar al-Qalam for Printing and Publishing, 1413 A.H.



15. Moaddab, Seyyed Reza, Khushnavis, Ali, "Investigation of the Nature and Place of Linguistic-literary Foundations in the Quran in the Interpretation of Majma al-Bayan", Journal of Literary-Quranic Research, No. 2, 2018.
16. Mohammad bin Ali bin Ahmad, Shams al-Din al-Dawoodi al-Maliki, Tabaqat al-Mufasssireen, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
17. Quraishi, Seyyed Ali Akbar, Quran Dictionary, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 2007.
18. Qurtubi, Mohammad bin Ahmad, Al-Jame li ahkam al-Quran, Tehran: Naser Khosrow Publications, 1985.
19. Raghib Isfahani, Hossein bin Mohammad, Al-Mufardat fi Gharib al-Quran, (Researched by Safwan Adnan Davoudi), Damascus, Dar al-Ilm, 1412 A.H.
20. Shirini, Razia, "Different Recitations in the Interpretation of Atyab al-Bayan", Journal of Quran Recitations Studies, No. 13, 2019.
21. Suyuti, Jalal al-Din, Tabaqat al-Mafasssireen al-Ishreen, Researcher: Ali Mohammad Omar, Cairo: Maktabah Wahbah, 2016.
22. Zarakashi, Abu Abdullah Badr al-Din, al-Burhan fi Uloom al-Quran, Researcher: Mohammad Abu al-Fazl Ibrahim, Beirut: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiya Isa al-Babi al-Halabi and His Partners, 1376 A.H.